



تولید ناخالص  
متاورسی به جای تولید  
ناخالص داخلی  
**حاکم دویی**  
**می خواهد این**  
**شهر را به مرکز**  
**وب ۳ دنیا**  
**تبدیل کند**

## شدنی نیست: اکوسیستم منتهای اینستاگرام

گزارش تجارت الکترونیک سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد تنها ۳۰ درصد اقتصاد آنلاین از طریق درگاه‌های پرداخت وبسایت‌ها انجام می‌شود. این یعنی ۷۰ درصد آن در بسترهای دیگر از جمله شبکه‌های اجتماعی جاری است... آیا می‌توان به کسب‌وکارهای بزرگی که میلیاردها تومان هزینه بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی کرده‌اند، گفت «اشتباه کردید!»

## کارنگ، رسانه اقتصاد نوآوری، عواقب و تاثیرات وضعیت فعلی اینترنت بر کسب‌وکارها و اکوسیستم نوآوری کشور را بررسی کرده است



## چه دوست داشته باشیم، چه نه...

زیرساخت ارتباطی بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ روی واتس‌آپ تعریف شده است. چه دوست داشته باشیم، چه نه حیات صدها هزار کسب‌وکار خرد به دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام وابسته است؛ از جمله بیش از ۸۰ درصد کسب‌وکارهایی که اینماد گرفته‌اند.



وضعیت فعلی اینترنت و برخی سرویس‌های بین‌المللی به عنوان زیرساخت اقتصاد دیجیتال می‌تواند همه آنچه را در ۱۵ سال گذشته به عنوان اقتصاد نوآوری ساخته‌ایم، بر باد دهد. بسیاری از ارتباطات کسب‌وکاری مختل شده و هیچ‌کس به درستی نمی‌داند این وضعیت خاکستری در حوزه زیرساخت آی‌تی کشور کی و چگونه برطرف می‌شود.

دو هفته گذشته یک شوک بی‌سابقه برای زیست آنلاین ایرانی‌ها بوده است.

هزاران کسب‌وکار خرد در خطرند؛ ریزش ۹۰ درصدی تجارت اجتماعی!

## درخواست‌های صنعی برای رفع محدودیت‌ها

نصر تهران و انجمن تجارت الکترونیک در بیانیه‌های مجزایی از دولت مردان درخواست کردند وضعیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را عادی کند.

## ریزش ۵۰ درصدی حجم تراکنش پرداخت پارها

آمارهایی از تاثیر وضعیت اینترنت بر شبکه پرداخت از زبان نشی فعال اکوسیستم پرداخت



عیسی زارع‌پور می‌گوید برخلاف عکس‌خندانش، از وضعیت فعلی اینترنت خوشحال نیست و پیگیر رفع محدودیت‌هاست، اما مدام تأکید می‌کند که کار چندانی از دستش ساخته نیست! چرا وقتی بحث نظارت و مجوزدهی برای آنلاین‌ها می‌شود همه در صف مقدم‌اند، اما در روزهای تنگ اینترنت، کسی مسئولیت برعهده نمی‌گیرد؟



# وزیر منفعل؟





## انجمن تجارت الکترونیک و سازمان نصر تهران بیانیه دادند توسعه اقتصاد دیجیتال بدون دسترسی به اینترنت ممکن نیست

در روزهای گذشته، انجمن تجارت الکترونیک و سازمان نصر تهران در واکنش به محدودسازی اینترنت و فیلترینگ بیانیه دادند.

انجمن تجارت الکترونیک در بیانیه‌ای با ابراز نگرانی از محدودسازی اینترنت شبکه‌های اجتماعی اعلام کرده که قطع دسترسی به اینستاگرام، بیش از ۴۰۰ هزار کسب‌وکار را با خطر نابودی مواجه کرده و امرار معاش بیش از یک میلیون نفر را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است. این انجمن تأکید کرده تصمیم‌هایی که در این خصوص گرفته می‌شود، تیشه به ریشه اقتصاد دیجیتال کشور زده و سبب ایجاد نارضایتی در بین پرسنل کسب‌وکارها و در نهایت اعتصاب بخشی از کارکنان این شرکت‌ها می‌شود.

در ادامه انجمن با اعتراض به محدودسازی اینترنت در بیانیه خود نوشته است: «اکنون که بار دیگر تیغ تحریم داخلی (فیلترینگ) را در فضای مجازی تجربه می‌کنیم، بیش از همیشه نگران آینده صنعت تجارت الکترونیک در کشور هستیم. انجمن تجارت الکترونیک وظیفه خود می‌داند هم‌سو با نظر اکثریت شرکت‌های عضو این تشکل، اعتراض خود را به فیلترینگ و محدودیت‌های اعمال شده بر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اعلام کند.»

به باور نویسندگان این بیانیه، فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، برخورد قهری با کاربران این فضا و ده‌ها تصمیم اشتباه دیگر، نه تنها تیشه به ریشه تجارت الکترونیک کشور می‌زند، این بار موجی از نارضایتی را نیز بین پرسنل

شرکت‌ها و کسب‌وکارهای فناور پدید آورده و باعث اعتصاب بخشی از کارکنان این شرکت‌ها شده است.

سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران نیز پیش‌تر در بیانیه‌ای اعلام کرده بود که توسعه اقتصاد دیجیتال و در نظر گرفتن اهداف توسعه‌ای در این زمینه با قطع اینترنت ممکن نیست. همچنین در این بیانیه تأکید شده در شرایطی که در حال حاضر نیازمند جلب اعتماد مردم هستیم، قطع اینترنت به اعتماد کاربران لطمه می‌زند.

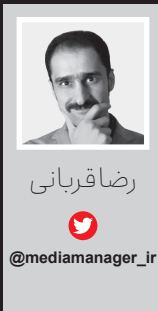
در این بیانیه آمده است: «میلیون‌ها نفر برای ارتباط با عزیزان شان به این ابزارها وابسته هستند. میلیون‌ها نفر برای سرگرمی و آموزش و کسب اخبار و اطلاعات به اینترنت مراجعه می‌کنند؛ بنابراین مسدود یا محدود کردن اینترنت تنها موجب سلب اعتماد از شهروندان خواهد شد. همچنین کسب‌وکارهای بسیاری برای تداوم فعالیت خود نیازمند اطمینان از کارایی و پایداری اینترنت کشور هستند. چگونه می‌شود اقتصاد دیجیتال داشت، وقتی نمی‌توان از دسترسی مستمر به اینترنت مطمئن بود؟»

در انتهای این بیانیه ضمن بیان اینکه اعضای هیئت‌مدیره نصر تهران در جلسه فوق‌العاده‌ای به بررسی لطمات و ضرر و زیان‌های وارد شده به کسب‌وکارها به دلیل قطعی اینترنت خواهند پرداخت، آمده است: «سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران مصرانه از نهادهای مسئول می‌خواهد دسترسی به اینترنت را به وضعیت طبیعی برگردانند.»

ایجاد محدودیت‌های گسترده در دو هفته گذشته چگونه باعث مرگ اقتصاد دیجیتال در ایران می‌شود؟

# اقتصاد دیجیتال منهای اینترنت؟!!

بزرگ‌ترین پلتفرم تجارت اجتماعی تبدیل شده بود. همین موضوع در نهایت باعث شد که بسیاری از مکاتبات و ارتباطات غیرتجاری هم بر بستر اینستاگرام جلو بروند. در نهایت قطع ناگهانی این پلتفرم در دو هفته گذشته باعث ایجاد شوک به بخش مهمی از جامعه شد؛ چه آنهایی که فروشنده بودند، چه آنهایی که خریدار.



رضاقربانی

@mediamanager\_ir

در کمال تعجب پاسخ بسیاری از مسئولان و مدیران مرتبط این بود که آنها مسئولیتی در این زمینه ندارند و کسی که در حاشیه رودخانه خانه ساخته باید فکر

این روز را هم می‌کرده است! باورکردنی نیست که در شرایطی که ایران با بحران اشتغال روبه‌رو است و تقریباً تمام طرح‌های رسمی نتیجه اثر بخشی نداشته‌اند، با یک تصمیم کل پلتفرم مورد استفاده تجارت اجتماعی در ایران نابود می‌شود. آن گونه که از شنیده‌ها به نظر می‌رسد اراده‌ای نیز برای باز کردن اینستاگرام وجود ندارد. بسیاری از مدیران دولتی شبکه‌های اجتماعی و به‌طور کلی فضای مجازی را علت بسیاری از مشکلات می‌دانند. آنها تصور می‌کنند اگر شبکه‌های اجتماعی نبودند یا شبکه‌های اجتماعی ایرانی و پلتفرم‌های ایرانی توسعه پیدا کرده بودند، امروز به چیزی هم اعتراض نمی‌شد.

حالا و در این شرایط آنچه به شدت تحت تأثیر قرار گرفته، مفهوم اقتصاد دیجیتال

به‌طور خاص و مفهوم توسعه به‌طور عام است. اقتصاد دیجیتال ایران در یک دهه گذشته تقریباً تنها بخشی بوده که به‌طور پیوسته رشد کرده است. البته این رشد در یک سال گذشته به گواه آمارهای مرکز توسعه تجارت الکترونیکی به‌شدت کند شده، ولی حتی در یک سال گذشته هم ما شاهد توسعه این بخش بوده‌ایم. این در حالی است که سایر بخش‌های اقتصاد ایران یا درازده‌اند یا دچار رشد منفی شده‌اند. تقریباً کسی نیست که در فرصت‌های اقتصاد دیجیتال شک داشته باشد. به همین دلیل برخی گفته‌اند که ایجاد محدودیت برای اینترنت به آسیب‌رسیدن به اقتصاد دیجیتال منجر می‌شود. من معتقدم که ما بر سر مفهوم اقتصاد دیجیتال توافق نداریم. آنچه من از اقتصاد دیجیتال درک می‌کنم، صرفاً توسعه ابزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات نیست؛ به عبارتی اینکه در کسب‌وکارها از ابزارهای فناوری اطلاعات استفاده شود، بخش کوچکی از اقتصاد دیجیتال است. از منظر من اقتصاد دیجیتال اقتصادی مبتنی بر فناوری است که در آن مرزها

در شرایطی که ندانستن‌های ما زیاد است و تناقض‌ها سر برآورده‌اند، چه باید گفت؟ در دو هفته گذشته شاهد ایجاد محدودیت‌های گسترده

برای اینترنت بودیم. تقریباً کسی نیست که به‌نوعی تحت تأثیر این محدودیت‌ها قرار نگرفته باشد. از نظر بسیاری اینترنت در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌هایی مانند اینستاگرام، واتس‌آپ و تلگرام خلاصه شده است. میزان ترافیک مصرفی این سه نیز نشان می‌دهند که بخش زیادی از مردم اینترنت را از درجه این سه اپلیکیشن می‌شناسند. با وجود

فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مانند لینکدین، گوگل چت، و ایبر و حتی بازی‌هایی مانند کلش آف کلنز و کنسول‌هایی مانند ایکس باکس به نظر می‌رسد سهم سه اپلیکیشن اول بیشتر به چشم عموم مردم می‌آید. در دو هفته اخیر از ساعت ۴ بعدازظهر تا ساعت ۱۲ شب اینترنت بین‌الملل به‌طور کامل قطع بود و حتی دسترسی به موتورهای جست‌وجویی مانند گوگل هم ممکن نبود. فیلترینگ تقریباً به‌طور کامل از کار افتاده‌اند و از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۱۲ شب عبور از فیلترینگ کار آسانی نیست. بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک دچار شوک شده‌اند و جدا از ریزش ترافیک‌ها و درآمدها، آینده برای بسیاری از فعالان اقتصادی مبهم‌تر از همیشه شده است.

تقریباً کسی را نمی‌شود پیدا کرد که در دو هفته گذشته تحت تأثیر تصمیمات ایجاد محدودیت قرار نگرفته باشد. با اینکه بارها و بارها گفته شده بود اراده‌ای بر فیلترینگ اینستاگرام وجود ندارد و حتی طرح‌هایی مانند صیانت به دنبال ایجاد محدودیت نیستند و هدف‌شان فیلتر اینستاگرام نیست، اما در شرایط بحران اولین تصمیمی که گرفته شد، ایجاد محدودیت برای اینستاگرام بود. اینستاگرام به‌دلیل اینکه در سال‌های گذشته یگانه شبکه اجتماعی قابل دسترس در ایران بود، به نقطه مهمی تبدیل شد. ایجاد محدودیت برای شبکه‌های اجتماعی دیگر به معنای فروش قرمز انداختن زیر پای اینستاگرام بود. مردم برای فعالیت اقتصادی هیچ ابزار قابل دسترسی نداشتند و نمونه‌های وطنی نیز توان پاسخگویی به حجم تقاضاهای روبه‌افزایش مردم را نداشتند. در جهان به‌دلیل وجود شبکه‌های اجتماعی متعدد و انواع پلتفرم‌ها رقابت جدی بین این ابزارها وجود دارد و کسی نمی‌تواند شبکه اجتماعی مسلط باشد، در ایران اما اینستاگرام به‌تنهایی به



شماره ۶۷  
۱۰ مهر ۱۴۰۱  
سال دوم



شماره ۶۷ | ۱۰ مهر ۱۴۰۱ | سال دوم | کارنگ؛ هفته‌نامه اقتصاد نوآوری ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مینا والی  
سردبیر: رضا جمیلی

دبیر تحریریه: المیرا حسینی  
تحریریه: مهران امیری،  
عبدالله مقدمی، سپیده اشرفی  
پارسا خاک‌نژاد، ترانه احمد دوست  
منیره شاه‌حسینی، زهره دودانگه  
ویراستار: یلدا شایسته‌فر

مدیرهنری: روح‌اله گیتی‌نژاد  
مدیرفنی: علیرضا کیوان  
صفحه‌آرا: حمید ابراهیمی بسابی  
عکس: حامد کریم‌زاده، نسیم اعتمادی  
پریمیر: امیرحاجلو  
سایت: راضیه مینایی  
چاپ: هنر سرزمین سبز  
نشانی: تهران، جنت‌آباد جنوبی، خیابان لاله  
غربی، خیابان حدیث، کوچه حدیث دوم، پلاک ۸  
تلفن تحریریه: ۴۶۰۱۲۲۰۴  
وبسایت: karangweekly.ir



## فارغ از سیاست گذاری های کلان کشوری، اکوسیستم نوآوری کشور در قبال مطالبات زنان چه مسئولیتی دارد؟ نقش حاکمیت و کسب و کارها در پاسخ به مطالبات زنان

مطالبات زنان ویژگی بارز اعتراضات چند هفته گذشته در کشور بود. این بار بر خلاف گذشته زنان نقشی پررنگ تر در اعتراضات داشتند. مروری بر وضعیت زنان در کشور نشان می دهد که دیر یا زود باید منتظر مطالبات جدی زنان ایرانی می بودیم. در حالی که طی دهه های گذشته زنان ایرانی توانسته اند در شاخص هایی فاصله خود را با مردان کاهش دهند، هنوز هم در برخی شاخص ها مقاومتی برای بهبود وضعیت زنان وجود دارد. یکی از این شاخص ها حضور اقتصادی زنان است. وقتی میزان مشارکت زنان در تحصیلات دانشگاهی تقریباً با مردان برابری می کند، در حالی که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کشور تنها ۱۷ درصد است، نشان از این دارد که یک جای کار خیلی می لنگد.

در کنار مسائلی مانند تقاضای پایین برای زنان در بازار کار و نگاه فرهنگی که به مشارکت پایین زنان در اقتصاد منجر می شود، دولت ها نیز هیچ وقت تلاشی برای از بین بردن موانع حضور زنان در کار و اقتصاد نکرده اند. در حالی که بهبود شرایط زنان یکی از اولویت های اصلی در برزنگاه های انتخاباتی است، اما در عمل سیاست ها و قوانین به نفع حذف این بخش از جامعه از فعالیت اقتصادی است. نگاهی به قوانین حمایت از مادران در محیط کار و بخشنامه های گاه و بیگاه دولت ها مبنی بر کاهش ساعات کار زنان نشان از این دارد که اولویت اول حاکمیت برای زنان اداره امور خانواده است و هیچ گاه این بخش از جامعه به عنوان یک فعال اقتصادی جدی گرفته نشده است.

متأسفانه شیوه پاسخگویی به مطالبات زنان نیز نه تنها نتوانسته نتایج مثبتی داشته باشد و به بهبود شرایط بانوان بینجامد؛ بلکه مانعی جدید بر سر راه توسعه اقتصادی زنان بوده است. محدودیت اینترنت در هفته های اخیر، فیلترینگ اینستاگرام و واتس اپ نه تنها در کوتاه مدت و به صورت سطحی نتیجه ای ندارد، بلکه در بلندمدت نیز نتایج منفی آن بیشتر خواهد بود. گرچه کاربران ایرانی طی این سال ها یاد گرفته اند چگونه از سد فیلترینگ ابزارهای ارتباطی عبور کنند، اما همان طور که عده های منتشر شده توسط کسب و کارهای تجارت اجتماعی و پرداخت یارها نشان می دهد، در این مدت محدودیت ها ضربه جدی به اقتصاد دیجیتال زده اند. همین ضربه به اقتصاد دیجیتال که پتانسیل افزایش مشارکت اقتصادی زنان را دارد، خود به کاهش سهم اقتصادی زنان و سرخوردگی بیشتر آنها منجر خواهد شد و این یعنی تقویت یکی از عواملی که

به شکل گیری این روزها و اتفاقات متعاقب آن انجامیده است. وقتی به دلایل گوناگون شرایط حضور بیشتر زنان در محیط کار توسط حاکمیت و کسب و کارهای مختلف تعریف یا مساعد نشده است، چرا باید بستری چون اینستاگرام که امکان مشارکت اقتصادی زنان را در سال های اخیر به شکلی خیره کننده افزایش داده این چنین محدود شود؟! آیا چنین رویکردی در قبال یک شبکه اجتماعی که کارآفرینی و اشتغال زایی زنان را در غیاب مشوق ها برای حضور پررنگ تر زنان در عرصه اقتصاد بهبود داده، به افزایش نارضایتی این بخش از جامعه منجر نخواهد شد؟

در اعتراضات اخیر شاهد واکنش هایی از سمت کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال کشور بودیم. ابراز همدردی و انتشار بیانیه های متعدد شرکت ها و نهاد های صنفی، واکنش های رسمی آنها به وقایع اخیر بود. گرچه این کسب و کارها در پاسخ به انتظاری که مردم از آنها دارند، واکنش هایی نشان دادند، اما با توجه به روح اعتراضات که تمرکز آن بر مطالبات زنان است، به نظرم یکی از مؤثرترین اقدامات کسب و کارها می تواند کمک به بهبود شرایط زنان در محیط کار باشد. این سال ها برخی کسب و کارها با اتهاماتی از جنس تبعیض جنسیتی و آزار جنسی در محیط کار مواجه بوده اند و شاید فارغ از توقعاتی که از حاکمیت برای دادن پاسخ درست و در پیش گرفتن تدبیر عقلانی در این برهه از زمان وجود دارد، این روزها فرصتی مناسب برای شنیدن مطالبات زنان و پاسخ مثبت دادن به صدای آنها از سوی کسب و کارها هم باشد. گرچه در این ایام گفتمان حمله به کسب و کارها صدایی بلند داشت و در این فضا که منطق کمرنگ شده، ممکن است کسب و کارها با اولویت های دیگری مواجه باشند، اما انتظار منطقی از کسب و کارها این است که در عمل نشان دهند خواسته های زنان برای آنها اهمیت دارد.

مرور تجربه های گذشته در جهان نشان می دهد که با گذشت زمان واکنش کسب و کارهای بزرگ در برابر حوادث تحلیل خواهد شد؛ همان طور که در جنبش «زندگی سیاهان مهم است» در آمریکا اتفاق افتاد. با اینکه آمازون و گوگل از این جنبش حمایت کردند، منتقدان در سیلیکون ولی می گفتند درون این شرکت ها تبعیض نژادی وحشتناکی وجود دارد. بنابراین آنچه از کسب و کارها برمی آید این است که بیش از گذشته به بهبود شرایط کار زنان و پررنگ شدن نقش آنها کمک کنند.



محدودیت دسترسی به اینستاگرام، صدها هزار کسب و کار خرد را در خطر نابودی قرار داده است

# ریزش ۹۰ درصدی تجارت اجتماعی!

از عیسی زارع پور، وزیر ارتباطات گرفتند: «اغتاشا شگران باید پاسخگوی خسارت کسب و کارهای مجازی باشند.»

## خسارت ۵۰ میلیون تومانی به هر فروشگاه اینترنتی در هفته گذشته

در همین راستا در ادامه این گزارش به آماری که کم و بیش از کسب و کارهای این حوزه منتشر می شود، پرداخته ایم. به گفته پشوتن پورپزشک، مدیرعامل پادرو، از زمان شروع قطعی ها و فیلترینگ، مجموع فروش ۱۰ فروشگاه اول پادرو شاپ که زیرساخت فروش آنلاین برای فروشندگان شبکه های اجتماعی را ایجاد می کند، با ۸۷ درصد کاهش روبه رو بوده و هر یک از این فروشگاه ها تنها طی یک هفته گذشته دچار دست کم ۵۰ میلیون تومان خسارت مالی شده اند.

پورپزشک در پاسخ به خبرنگار راه پرداخت توضیح داد: «طی دو روز (آخرین پنجشنبه و جمعه شهرپورماه یعنی زمانی که محدودیت دسترسی روی این شبکه ایجاد شد)، بازدید از فروشگاه های اینستاگرامی فعال در پادرو شاپ

روزهای آخر تابستان امسال در پی اعتراضات مردمی به مرگ مهسا امینی و بعد از گذشت دو سال و اندکی از قطعی گسترده اینترنت در آبان ۱۳۹۸، اینترنت دوباره با محدودیت هایی مواجه شد. در پی این محدودیت ها اپلیکیشن هایی نظیر واتس اپ، اینستاگرام، لینکدین، اسکایپ، و ایبر iMessage فیلتر و از دسترس خارج شدند. علاوه بر اینها از روز پنجشنبه پروژه طرح صیانت که از مدت ها پیش زرمه اجرایی شدن آن به گوش می رسید، در ساعات مشخصی از روز اجرایی شده و در این روزها به غیر از وبسایت ها و اپلیکیشن های داخلی هیچ گونه ارتباطی با فضای بین المللی امکان پذیر نیست. این وضعیت به غیر از ایجاد محدودیت در ارتباطات آزاد، کابوس همیشگی کسب و کارهای کوچک و متوسطی بود که «اینترنت» شریان اصلی تنفس آنهاست. کسب و کارهایی که حتی در بدترین شرایط اقتصادی، تجارت الکترونیک را راهی برای ادامه حیات یا حتی تولد خود دیده بودند، چند روزی است که از افتادن خود را به نظاره نشسته اند و در ازای مطالبات خود این پاسخ را



شماره ۶۷  
۱۰ مهر ۱۴۰۱  
سال دوم



چرا باید نگرانی آنها که کسب و کاری خرد را با هزار زحمت به دندان کشیده و رشده داده اند، جدی بگیریم

## بگویید ما هم بخندیم آقای وزیر!

در روزهای اخیر شاهد قطعی و کندی اینترنت و محدودیت گسترده پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی بوده‌ایم. واتس‌آپ، اینستاگرام، وایبر و هرجا که قابلیت چت و ارتباط جمعی فراهم بوده، با فیلتر مواجه شده و حتی در زمان‌هایی که مثلاً اینترنت متصل است، اپ‌های داخلی مثل اسنپ هم با التماس بالا می‌آیند.

این راه‌حلی بوده که بخش‌هایی از تصمیم‌گیران و مسئولان برای مواجهه با ناآرامی‌های چند روز گذشته در پیش گرفته و جناب وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم در واکنش به این وضعیت با لبخند به خبرنگاران اعلام کرده که احتمال بازگشت وضعیت به روال

سابق فعلاً وجود ندارد. در این بین هم سازمان نصر تهران بیانیه داده و در خصوص وضعیت اینترنت هشدار داده و هم انجمن تجارت الکترونیک از مرگ کسب و کارهایی گفته که به واسطه این تصمیم به وقوع می‌پیوندد، اما ظاهراً فعلاً

برنامه این است که گوش‌ها بر توصیه‌های نخبگان بسته بماند.

در این مدتی که از انتشار کارنگ می‌گذرد، ما با حدود ۵۰ کسب و کار اینستاگرامی گفت‌وگو کرده‌ایم، عکس‌شان را روی جلد مجله آورده‌ایم و از کسب و کارهای کوچک و متوسطی گفته‌ایم که با سرمایه اندکی می‌توانند آغاز شوند و برای یک نفر یا بیشتر درآمد ایجاد کنند. این افراد نه باری روی دوش بانک‌ها گذاشته‌اند، نه چشم طمع به جیب دولت داشته‌اند، نه حمایت خاصی دریافت کرده‌اند. آنها هر هنری را که بلد بوده‌اند، به کار بسته‌اند، کم‌کم مخاطب خود را یافته‌اند، اعتماد ایجاد کرده‌اند و بعد از چندی توانسته‌اند روی پای خود بایستند و حتی گاهی درصد گسترش کار برآمده‌اند.

در اغلب گفت‌وگوهای کارنگ با این افراد، یک نگرانی بیش از همه به چشم می‌خورد؛ نکند حاکمیت با فیلتر اینستاگرام، راه را بر امرار معاش آنها ببندد. آن هم در زمانه‌ای که با افزایش روزافزون قیمت‌ها، کسی پولی در بساط ندارد که آن را در روزهای گرفتاری خرج کند و همزمان به فکر راه چاره‌ای باشد.

این روزها در همان پلتفرم‌هایی که فیلتر شده، ویدئویی از رئیس‌جمهور دست به دست می‌شود که آقای رئیسی در جواب کسانی که او را به فیلترینگ اینستاگرام در صورت روی کار آمدن متهم می‌کنند، می‌گوید چرا باید محل کسب مردم را تعطیل کند، آن هم در حالی که حتی دخترانش از فروشگاه‌های آن خرید می‌کنند؟ اما امروز به مردم گفته می‌شود که اشتباه کرده‌اند کسب و کار خود را در پلتفرمی راه انداخته‌اند که خارجی است و باید به پلتفرم‌های داخلی مراجعه کنند. غافل از اینکه عضویت در هیچ پلتفرمی با اعمال زور و سلیقه ممکن نیست. معلوم نیست چرا حاکمیت اصرار بر راهی دارد که پیش‌تر پیموده و از آن جواب درخوری نگرفته است.

فیلترینگ اینستاگرام و پلتفرم‌های دیگر که در وهله اول بی‌اعتنایی به حقوق شهروندی مردم است و در قدم بعدی، آسیب جدی رساندن به بدنه به شدت نحیف اقتصاد کشور، به وضوح پاک کردن صورت مسئله‌ای است که می‌تواند مسائل به مراتب بغرنج‌تر دیگری بیافریند؛ مسائلی که دیگر نمی‌توان آنها را گردن پلتفرم‌های خارجی و دسیسه بیگانگان انداخت. نتیجه گوش بستن صدای کارشناسان و توصیه‌های آنان، چیزی جز بروز اتفاقات فاجعه‌بار نبوده و چه خطایی بزرگ‌تر از اینکه آزموده را بارها و بارها بیازماییم؟

فیلترینگ شاید بتواند مانند مسکنی عمل کند - هرچند در این هم شک و تردید وجود دارد - اما دومینووار به وقوع اتفاقاتی منجر می‌شود که اولین نتیجه آن ب‌أس و ناامیدی از راه‌اندازی کسب و کار، آن هم از نوع نوآرانه‌اش است. قطع ارتباط با جهان به هر بهانه‌ای، به افزایش بیکاری، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاران، شیوع ناامیدی در جامعه و افزایش نرخ مهاجرت نیروی مستعد و... می‌انجامد و جامعه‌ای سرخورده و ناراضی می‌سازد.

برای همین است که نمی‌دانم آقای زارع‌پور به چه چیزی لبخند می‌زند؟ به ناراضی‌تری بیشتر؟ به وضعیت اقتصادی شکننده‌تر؟ به بی‌پولی و بیکاری کسانی که امیدشان از آنها گرفته شده است؟ و... کاش می‌گفتید بر چه چیزی لبخند می‌زنید، شاید ما هم آن را خنده‌دار می‌یافتیم و همراه با شما می‌خندیدیم.



شماره ۶۷  
۱۰ مهر ۱۴۰۱  
سال دوم



کسب و کارها و مردم درباره اینترنت در یک بلاتکلیفی و سردرگمی به سر می‌برند

# بحران مسئولیت‌پذیری

به شرکای خود نمی‌توانیم بگوییم پیام‌رسان داخلی نصب کنید تا با هم در ارتباط باشیم. بسیاری از این پیام‌رسان‌های داخلی محدودیت جغرافیایی دارند و عملاً در دسترس ایرانیان خارج کشور نیستند و برخی دیگر نیز کاربر جدید نمی‌پذیرند.

اما هیچ‌کس برای این چالش‌ها و موضوعات پاسخ شفاف و روشنی ارائه نمی‌دهد. از وزیر صمت گرفته تا وزیر ارتباطات که مستقیم‌ترین مسئولان مربوط به این حوزه هستند، هیچ‌یک پاسخ روشنی ندارند؛ سؤالاتی از این دست که چه زمانی شرایط اینترنت بین الملل به حالت عادی بازمی‌گردد؟ آیا این محدودیت‌ها دائمی خواهد بود؟ آیا این کسب و کارها با زیرساخت‌های موجود می‌توانند به کار خود ادامه دهند و مورد استقبال قرار خواهند گرفت؟ وقتی به دنبال پاسخ این سؤالات باشید، عملاً هیچ‌کس مسئولیتی در این خصوص نمی‌پذیرد. وزیر ارتباطات رفع این موضوع را به زمانی نامعلوم حواله می‌دهد و

مسئولیتی در خصوص ایجاد محدودیت برای اینترنت قبول نمی‌کند و به نحوی خود را مطیع دستوراتی می‌داند که ابلاغ شده و حتی قول پیگیری موضوع را نیز نمی‌دهد.

در این چند روز نیز هیچ اظهارنظری از سوی وزارت صمت یا معاونت‌های مربوطه در این خصوص مطرح نشده و تمامی این اتفاقات و موضوعات به نهادها و زمان نامعلوم حواله داده شده است.

واقعیت آن است در حال حاضر موضوعی که بیشتر خود را نمایان می‌کند، بحث

مسئولیت‌پذیری است. در حال حاضر دولت کنونی و مقامات آن تمایلی به پاسخگویی و پذیرش مسئولیت در خصوص اتفاقات اخیر ندارند. هیچ‌کس نیز تاکنون نتوانسته پاسخی شفاف و روشن از وزرای مربوطه دریافت کند. به نظر می‌رسد نهاد‌های صنفی نیز در دایره دریافت اطلاعات قرار نمی‌گیرند که بتوانند پاسخگوی سؤالات مربوط به کسب و کارهای خود باشند.

اکنون هرچه هست؛ چه خوب و چه بد، بحران مسئولیت‌پذیری بیش از هر زمانی خود را نمایان کرده است؛ از اختلال اینترنت گرفته تا ورشکستگی بسیاری از کسب و کارهای کوچک هیچ فردی مسئولیت و سهم خود را نمی‌پذیرد.

در طول دو هفته گذشته گزارش‌های متعددی در خصوص بحث فیلتر شدن پلتفرم‌هایی همچون اینستاگرام و واتس‌آپ در راه پرداخت منتشر کردیم و هر بار وقتی این گزارش‌ها منتشر می‌شد، نظرات متعددی به سمت ما روانه می‌شد که اغلب درخواست رفع فیلتر سریع‌تر این شبکه‌های اجتماعی بود؛ چرا که بسیاری از مردم کسب و کارهای کوچکی را که روی آن‌ها به راه انداخته بودند، در معرض خطر می‌دیدند و هیچ‌گونه چشم‌اندازی برای حفظ سرمایه‌ای که در این مسیر قرار داده بودند، نمی‌دیدند.

مردمی که نمی‌دانستند شکایت خود را به کجا ببرند و چگونه مسئول قطعی را که رخ داده، پیدا کنند. در این میان پرداخت‌یاری‌هایی نیز که به این کسب و کارهای کوچک سرویس می‌دادند، با کاهش جدی تراکنش مواجه شدند و در برابر اختلالات ایجاد شده هم پاسخی برای مشتریان خود نداشتند.

در این بین سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که مسئول تمامی این اتفاقات کیست و چه کسی باید مسئولیت این اتفاقات را بپذیرد.

شاید شفاف‌ترین پاسخ به این سؤال را وزیر ارتباطات مطرح کرد که عملاً آب پاکی را روی دست کسب و کارهایی ریخت که تمام فعالیت خود را بر محور اینستاگرام قرار داده بودند؛ کسب و کارهایی که گویا قصورشان این بوده که صرفاً بر اساس منطق کسب و کار و عقل سلیم بهترین بستر را برای عرضه محصولات خود انتخاب کرده بودند و بس!

وزیر ارتباطات در حاشیه نشست هیئت دولت در جمع خبرنگاران در خصوص خسارت کسب و کارهای کوچک از فیلتر شدن اینستاگرام، رسماً اعلام کرد که مردم خسارت خود را از اغتشاش‌گران دریافت کنند و تنها به این پاسخ بسنده کرد از ابتدا اعلام کردیم که مردم نباید بستر فعالیت اقتصادی خود را روی پلتفرم‌های خارجی قرار دهند.

اما به این سؤال افکار عمومی و کسب و کارها پاسخ داده نشد که آیا بستر جایگزینی شکل گرفته که دیگر نیازی به وجود پلتفرم‌های خارجی نباشد.

از طرفی در این روزها بسیاری از تجار نیز عنوان می‌کنند،



میثم سلیمانی  
دبیر تحریریه راه پرداخت  
msr52004@gmail.com



استمرار فیلترینگ و توسعه استفاده از فیلتر شکن ها توسط مردم و خصوصاً نسل پدران و مادران مان، خطر بزرگ فراگیری بدافزارها را در سطح ملی در پی خواهد داشت

## بدافزارها در کمین کاربران

بیش از ۱۰ روز از قطعی و اختلال در اینترنت و فیلترینگ بسیاری از شبکه های اجتماعی از جمله اینستاگرام و واتس اپ می گذرد؛ شبکه های اجتماعی فراگیر و پرکاربری که عموم مردم در کشور از آنها استفاده می کنند و کاربرد این دو پلتفرم در زندگی روزمره و کسب و کار عده زیادی از قدر زیاد و پررنگ شده که استفاده از آنها را معادل استفاده از اینترنت می دانند و حالا با فیلترینگ های این روزها، به عقیده این دسته از افراد، اینترنت به کل قطع شده و در دسترس بودن سرویس هایی که در داخل کشور میزبانی می شوند، برایشان به معنی متصل بودن بخشی از اینترنت نیست.

این نسل، اینترنت را معادل اینستاگرام و واتس اپ می دانند؛ نسل پدران و مادران مان، قطعی اینترنت در کشور اتفاق جدید و غیرمنتظره ای نیست؛ اواخر آبان ماه ۱۳۹۸ هم کشور این اتفاق را تجربه کرد و اینترنت بیش از یک هفته قطع شد و بسیاری را با شوک مواجه کرد، اما در آن زمان، فیلترینگ شبکه های اجتماعی به گونه ای که این روزها آن را شاهد هستیم، اتفاق نیفتاد. در پی قطعی اینترنت این روزها، فیلترینگ پیام رسانی و شبکه های اجتماعی ای را شاهد هستیم که راه ارتباطی روزمره بخش بزرگی از مردم را به کل مختل کرده است؛ دسته ای از افراد که کمتر درباره آنها صحبت می شود، افرادی که ماه ها و سال ها طول کشیده تا با این مسیرهای جدید ارتباطی ارتباط بگیرند و به آن عادت کنند و حالا که به آن عادت کرده اند، دسترسی شان قطع شده است.

نسلی که شکستن عادت برایش یکی از سخت ترین کارهاست و تمام نظم زندگی شان را بر هم خواهد زد و برایش «تغییر» عادت موضوع سختی است؛ چرا که بر خلاف نسل های جوان تر، آمادگی، توان و دانش کافی برای استفاده از سرویس های جایگزین را ندارند و طبیعی است که این نسل که عمدتاً نسل پدران و مادران ما هستند، به تغییر روی خوش نشان ندهند و به جای مهاجرت به راهکارهای جایگزین به دنبال ابزارهایی برای شکستن فیلترینگ باشند. تجربه فیلتر شدن تلگرام نشان داد که کاربران ایرانی حتی با وجود فیلتر شدن تلگرام نه تنها به سمت استفاده از پیام رسانی داخلی حرکت نکردند، بلکه شروع به استفاده از

فیلتر شکن ها کردند. حالا این روزها فیلترینگ واتس اپ و اینستاگرام که پرکارترین شبکه های اجتماعی در بین ایرانیان هستند، به این جریان در جست و جوی فیلتر شکن بودن دامن زده و کار به جایی رسیده که از بسیاری می شنویم که بزرگ ترهای خانواده یا فامیل آشکارا از آنها طلب معرفی یا نصب یک فیلتر شکن خوب را دارند. از طرفی بر هیچ کس پوشیده نیست که نصب و ترویج فیلتر شکن ها، آن هم با این گستردگی خطرات امنیتی جدی ای را برای کاربران به همراه خواهد داشت؛ چرا که فرصت بزرگی برای توسعه بدافزار و به واسطه آن سرعت اطلاعات هویتی و مالی افراد است.

در این بین بزرگ ترین نسلی که می توانند آسیب ببینند، همان نسل پدران و مادران مان هستند؛ نسلی که اینترنت ملی برایشان معنی ندارد و صرف اینکه بتوانند از طریق واتس اپ با دوستان و خانواده خود در ارتباط باشند یا در اینستاگرام از روزمرگی های خود بگویند یا از روزمرگی های دیگران ببینند، معادل داشتن اینترنت است. حالا با فیلتر شدن این دو پلتفرم، اینترنت نیز طبق همین تعریف برایشان به کل قطع شده و این روزها مدام در پی فیلتر شکنی هستند که بتوانند برای دقایقی به قول خودشان به اینترنت متصل شوند.

تمامی این اوضاع در حالی است که در پدیده توسعه و فراگیری فیلتر شکن ها با فضای سیاهی طرف هستیم که به شدت می تواند خطرناک و ناامن باشد. در جریان مشابهی، در دی ماه ۱۳۹۸ بانک مرکزی استفاده از رمز دوم پویا را برای عموم مردم اجباری کرد تا موانع متعددی از جمله کلاهبرداری و فیشینگ را از سر راه کاربران بردارد.

این اتفاق در ابتدا تا حد زیادی اثرگذاری جدی در بحث کاهش جرائم رایانه ای داشت، اما رفته رفته کلاهبرداران نیز خود را با شرایط وفق دادند و راه های دور زدن رمز دوم پویا را نیز ایجاد کردند و این بار پیچیده تر و خیلی خطرناک تر از گذشته؛ راه هایی که روز به روز نیز فراگیرتر می شوند. تا پیش از اجباری شدن استفاده از رمز دوم پویا، مردم صرفاً باید توجیه می شدند که رمز دوم کارت خود را به کسی نگویند، پژواک رمز نداشته باشند و از فیشینگ شدن شان مراقبت کنند که هر چند باز هم با شیوه هایی، مورد کلاهبرداری قرار می گرفتند، ولی نسل پدران و مادران مان که یک موضوع ساده یعنی نگفتن رمز دوم خود را به سختی انجام می دادند.

ادامه در صفحه ۱۰

# وزیر منفعلس؟

عیسی زارع پور می گوید بر خلاف عکس خندانی که از او در جلسه هیئت دولت منتشر شده، از وضعیت فعلی اینترنت خوشحال نیست و پیگیر رفع محدودیت هاست، اما مدام تأکید می کند که کار چندانی از دستش ساخته نیست! اما کارشناسان تأکید دارند وزیر ارتباطات باید نسبت به محدودیت اینترنت و خسارت به کسب و کارها پاسخگو باشد

گزارش  
REPORT



شماره ۶۷  
۱۰ مهر ۱۴۰۱  
سال دوم



مینا حاجی

@MinaHaji1



ادامه از صفحه ۸

## بدافزارها در کمین کاربران

بعد از راه اندازی رمز دوم پویا و استفاده از اپلیکیشن های رمزساز و پیامک شدن رمز برایشان، بیشتر هدف کلاهبرداری و فیشینگ قرار گرفتند و قربانی این تصمیم نادرست شدند، بدون اینکه خودشان بدانند یا بخواهند؛ چراکه این بار کلاهبرداران، تمرکزشان را روی توسعه بدافزارها گذاشتند. هر عقل سلیمی می داند که هیچ فرد عاقلی با قصد نصب یک بدافزار آن را نصب نمی کند و کلاهبرداران هم این را به خوبی می دانند. در نتیجه بدافزارها ممکن است در قالب یک بازی موبایلی، یک اپلیکیشن آموزشی یا حتی یک فیلترشکن روی موبایل ما نصب شوند. بدافزارهایی که بدون اینکه فرد خبر داشته باشد، از آنها دسترسی خوانش پیامک و مواردی از این دست را می گیرد و در زمان مناسب رمز پویای ارسال شده برای فرد را خوانش و بدون اینکه فرد مطلع شود، آن را از طریق بدافزار برای فرد کلاهبردار ارسال می کند. همین پدران و مادران ما که تا دیروز از یک رمز دوم نمی توانستند با خیال آسوده محافظت کنند، حالا باید به توانایی شناخت انواع بدافزارها مسلط می شدند تا مبادا حسابشان بدون اینکه خودشان خبر داشته باشند، خالی شود؛ توفقی که غیرمنطقی به نظر می آید. البته به این موضوع هم توجه داشته باشید که درباره صنعت مالی و بانکی صحبت می کنیم که افراد به راحتی و روشنی مسیر درست دریافت اپلیکیشن های بانکی و پرداختی را در دسترس دارند. اما اکنون در پدیده فراگیر شدن فیلترشکن ها، با فضای بسیار خطرناک تری روبه رو هستیم؛ چراکه دیگر از همان ابتدا همه در یک فضای تیره و تاریک و غیررسمی به دنبال نصب یک فیلترشکن هستند تا کارشان راه بیفتد و بدون داشتن کوچک ترین دانشی، هر اپلیکیشنی را که کسی تحت عنوان فیلترشکن به آنها معرفی کند، نصب می کنند؛ فضایی به شدت ترسناک که فرصت برای توسعه و فراگیری بدافزارها در قالب فیلترشکن ها را به راحتی ایجاد کرده و این موضوع، یکی از خطرناک ترین اتفاقاتی است که می تواند پیش روی عموم جامعه ایرانی باشد که در صورت تداوم فیلترینگ ها شاهد افزایش تصاعدی این پدیده خواهیم بود.

شماره ۶۷  
مهر ۱۴۰۱  
سال دوم

# ریزش ۵۰ درصدی حجم تراکنش پرداخت پاره ها در ۱۱ روز

## آمارهایی از تأثیر وضعیت اینترنت بر شبکه پرداخت

۱۱ روز است که اینترنت ایران با هدف کنترل اعتراضات خیابانی و قطع دسترسی به پلتفرم هایی چون اینستاگرام که گفته می شود حدود دو میلیون و ۴۰۰ هزار واحد صنفی از آن استفاده می کنند، به شدت محدود شده است. تبعات این محدودیت ها ابعاد گوناگونی دارد، اما مهم ترین و تأثیرگذارترین بُعد آن سقوط حوزه تجارت الکترونیکی و از دست رفتن درآمد کسب و کارهای خرد است. برای روشن شدن تبعات ملی شدن اینترنت با شرکت های پرداخت یار درباره حجم تراکنش ها قبل از قطع اینترنت و بعد از آن گفت و گو کردیم.

### ۳۰ تا ۶۰ درصد تراکنش ها از دست رفته اند

به گفته مدیرعامل پرداخت یار زیبال،



اختلال در وبسایت های ایرانی، عدم امکان برقراری ارتباط با خارج از کشور و عدم دسترسی مشتریان (مردم) به اینترنت، تراکنش های این شرکت را با ریزش ۵۵ درصدی روبه رو کرده است. مدیر مارکتینگ زرین پال هم از ریزش ۶۰ درصدی تراکنش های این پلتفرم واسطه که هم از عملکرد مشتری و هم از ضرر کسب و کار آسیب می بیند، خبر داد. مدیرعامل پرداخت یار وندار تصریح کرده که قطعی اینترنت باعث توقف توسعه در این شرکت شده و تراکنش هایش را ۴۰ تا ۶۰ کاهش داده است. بنا بر اعلام مدیرعامل جیبیت، حجم تراکنش های این شرکت هم یک سوم تقلیل پیدا کرده و کمپین های تبلیغاتی تجارت الکترونیک را باید ایرانیان با وجود صرف هزینه های سنگین به دلیل در دسترس نبودن شبکه های اجتماعی هدر رفته اند.

به گفته محمد مهدی فاطمیان، مدیرعامل زیبال، از زمان قطعی سراسری اینترنت تراکنش های زیبال بیش از ۵۵ درصد، ریزش داشته اند. او ضمن بیان اینکه منشاء عمده آسیب های کسب و کارها از قطعی اینترنت است، نه اختلال آن گفت: «بسیاری از کسب و کارهای ایرانی بر سرورهای خارجی هلند و آلمان و... مستقر شده اند، وبسایت این کسب و کارها در ایام قطعی اینترنت به درگاه پرداخت در یافتی شان متصل نمی شود، سرورهای ایرانی هم برای سرورهای اصلی قابل مشاهده نیستند، حتی صاحب کسب و کار نمی تواند پرتال مدیریتی وبسایت خود را مشاهده کند یا به آن دسترسی داشته باشد.»

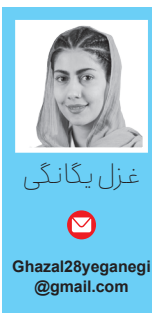
او ادامه داد: «در فرضی محال، اگر فردی موفق به خرید از وبسایت و انتقال به درگاه پرداخت شود هم صاحب کسب و کار متوجه این ثبت نمی شود.» به گفته او، مشکل دیگر کسب و کارهای مستقر بر سرورهای خارجی این است که نمی توانند در کالاهای خاص تغییر قیمت اعمال کنند و مشتری کالاها با قیمت قدیمی خریداری می کند.

او صراحتاً عنوان کرد که تعدادی از این کسب و کارها، به دلیل دسترسی نداشتن به پل مدیریت خود، درگاه پرداخت شان را متوقف و لغو کرده اند.

فاطمیان ادامه داد: «دسته دیگری از مشتریان زیبال کسب و کارهای داخلی هستند که فعالیت شان به سرویس های مبتنی بر استعلام های خارجی وابسته است و در حال حاضر وبسایت شان غیرفعال شده است. کسب و کارهای کوچک هم که با جست و جوی مردم در گوگل دیده می شدند و روزانه دوالی سه سفارش ثبت می کردند، تراکنش هایشان به صفر رسیده است.» به اعتقاد او، اختلال در وبسایت های ایرانی، عدم امکان برقراری ارتباط با خارج از کشور و عدم دسترسی مشتریان (مردم) به اینترنت عوامل ریزش تراکنش های کسب و کارها و کاهش درآمد زیبال هستند.

### کاهش ۶۰ درصدی تراکنش های زرین پال

به گفته مدیر مارکتینگ زرین پال، بر اساس مقایسه ای از پنج روز ابتدایی قطعی اینترنت نسبت به پنج روز پیش از قطعی، حجم تعداد تراکنش ها در تمام دسته بندی های تجارت الکترونیک، از اپلیکیشن و وبسایت گرفته تا شبکه های اجتماعی ۶۰ درصد ریزش کرده است. حسین رستمی با اشاره به افت تراکنش های کسب و کارها گفت: «شبکه های اجتماعی ۶۰ درصد، دسته پوشاک ۷۰ درصد، شبکه های آنلاین ۷۵ درصد، خدمات وبسایت ۶۸ درصد و خدمات آموزشی ۵۶ درصد کاهش داشته اند.» او ادامه داد: «در همین بازه، تراکنش های دسته مذهبی ۵۹ درصد و خدمات گردشگری ۵۷ درصد رشد داشته اند.» به گفته او، گزارش ماه شاپرک گواه این آمارها خواهد بود. رستمی با بیان اینکه قطعی اینترنت کسب و کارها را به سه دسته تقسیم کرده، توضیح داد: «کسب و کارهایی هستند که تراکنش هایشان به عدد صفر رسیده و کسب و کارهایی



هم دسترس پذیری به مشتریان شان را از دست داده اند. دسته دیگر از کسب و کارها هم با وجود فعال بودن وبسایت و راه های ارتباطی از کاهش رغبت مشتریان به خرید، لطمه خورده اند.» او در خصوص تأثیر کاهش تراکنش های کسب و کارها بر زرین پال گفت: «کسب و کار زرین پال، کسب و کاری واسطه میان خریدار و فروشنده است، هر آسیبی از سمت فروشنده و خریدار اتفاق بیفتد، رابطه مستقیمی با ضرر زرین پال دارد.»

### توقف توسعه به همراه ریزش ۶۰ درصدی

به گفته عبادی مدیرعامل وندار، میزان تراکنش های وندار در اصفاف مختلف بین ۴۰ تا ۶۰ درصد کاهش داشته است. تمام اصفاف از قطعی اینترنت آسیب دیده اند، اما بخش حمل و نقل و صنعت VOD با ۵۰ درصد کاهش در صدر ضربه از قطعی اینترنت قرار دارند. او ادامه داد: «کسب و کارهای کریپتویی نسبت به سایر بخش ها کمتر آسیب دیده اند.» او با بیان اینکه با قطعی اینترنت روند توسعه وندار متوقف می شود، توضیح داد: «توسعه، مهم ترین عملیات روزمره شرکت های نرم افزاری مانند وندار است که به سایر کسب و کارها سرویس ارائه می دهند. با توجه به وابستگی شرکت به منابع خارجی و سختی دسترسی به سرویس های خارجی، روند توسعه کند و به طور شفاف تر توسعه متوقف می شود.»



### تقلیل تراکنش های جیبیت به یک سوم

مهدی شریعتمدار، مدیرعامل جیبیت که عموماً مشتریان آن شرکت های بزرگ هستند هم در این باره اعلام کرد که حجم تراکنش های مالی جیبیت به یک سوم تقلیل پیدا کرده است. به اعتقاد او، این کاهش به دو دلیل قطع شدن اینترنت در بازه زمانی مشخص و کاهش فعالیت های اقتصادی توسط عامه مردم در زمینه های خرید، سرمایه گذاری، رمزارز و... رخ داده است. او تأکید کرد: «یکی دیگر از حوزه های فعالیت جیبیت سرویس استعلامی و احراز هویت است که تحت تأثیر محدودیت های این روزها قرار گرفته و در دوران قطعی اینترنت تا ۳۰ درصد هم ریزش داشته است.»





ادامه از صفحه ۵۰

## ریزش ۵۰ درصدی...

حمیدرضا ترابیان،  
رئیس هیئت مدیره  
تجارت الکترونیک  
رایبید ایرانیان نیز  
به صورت کیفی



پیامدهای قطعی اینترنت بر این شرکت را توضیح داد. به گفته او، بسیاری از مشتریان تجارت الکترونیک رایبید ایرانیان از اختلالات اینترنت و تأثیر آن بر کسب و کارها آگاه نیستند و موضوع را به عملکرد نادرست سامانه نسبت می دهند. او اظهار کرد که نارضایتی مشتریان افزایش پیدا کرده و حجم تماس های پشتیبانی چندبرابر شده است، اما پاسخگویی های تلفنی هم دچار مشکل اند. او ادامه داد: «در شبکه های اجتماعی کمپین هایی با هزینه های قابل توجه برقرار شد و حالا که زمان نتیجه است، اینترنت قطع و هزینه زمان هدر رفته است.» به گفته او، در کنار اختلالات اینترنت، شایعات ملی شدن اینترنت و قطعی شبکه از جنبه های دیگر به کسب و کارها لطمه وارد می کند.

## ۷۵ درصد تراکنش ها کاهش پیدا کرده است

احمد رضا  
منصوری، رئیس  
کمپسیون  
پرداخت یاری نصر  
تهران و مدیرعامل



پی پیینگ نیز فیلتر شدن اینستاگرام، توقف فعالیت کسب و کارهای خانگی و اینترنتی و کاهش درصد تراکنش های شبانه ناشی از قطعی اینترنت را از جمله عواملی می داند که به از دست رفتن پویایی مشاغل و سقوط چشم گیر اقتصاد کشور منجر می شوند. به گفته منصوری، آمارهای فعلی نشان می دهد در این مدت تعداد تراکنش ها ۷۵ درصد و درآمد ها ۸۰ درصد کاهش پیدا کرده است. به گفته او در این شرایط محدود هیچ فردی از خارج کشور هم نمی تواند پرداخت ها و خریدهای خود را انجام دهد و در نتیجه در این بخش هم شاهد پسرفت خواهیم بود. او تأکید می کند شرایط فعلی اینترنت حتی میل به خرید را هم کاهش داده است. او معتقد است تداوم عوامل مذکور، می تواند به تعطیلی کسب و کارهای پرداختی هم منجر شود.

بنیان گذاران شرکت جسورتر و جاه طلب تر بود. او در ابتدای مدیریتش به کارمندان گفت که قصد دارد ایمپرفکت را به اولویت مشتریان تبدیل کند. آن زمان ایمپرفکت ۵۷ میلیون دلار سرمایه جذب کرده بود. در سپتامبر ۲۰۱۹ نام شرکت تغییر کرد و کلمه تولید یا produce جایگزین غذاها یا foods شد. این تغییر نام اشاره به انواع مواد غذایی داشت که شرکت می خواست به وبسایت خود اضافه کند؛ از جمله شیر و تخم مرغ. بنابراین تصویر میوه های بدشکلی که روی آنها چشم های عروسی چسبانده شده بود و در وبسایت و تبلیغات ایمپرفکت بسیار سرگرم کننده بود، حذف شدند و به جای آنها عکس های سوسیس و پنیر گیاهی و کنگر فرنگی برشته با یک پس زمینه پاستلی گذاشته شد. ایمپرفکت همچنین از آمازون و تریدر جوز (Trader Joe's) نیروهای با استعدادی را استخدام کرد.

## صرفاً چیزهای زشت زیادی وجود دارد که می توانید بخرید

در ابتدای پاندمی که قفسه فروشگاه ها خالی شد و فروش آنلاین افزایش یافت، ایمپرفکت به فروش بالایی رسید، اما نتوانست به مأموریت قبلی خود ادامه دهد، چه برسد به آنکه به فروش بالاتر برسد. کارمندان سابق ایمپرفکت به اینسایدر گفتند که فروش مواد غذایی اضافی و معیوب برای اداره یک خواربارفروشی کامل کافی نیست. یکی از کارمندان به زمانی اشاره کرد که ایمپرفکت حتی قادر به تأمین هویج نبود که یکی از اقلام اصلی غذایی است. یکی دیگر از کارمندان پیشین گفت: «در ایمپرفکت تنها چیزهای زشتی وجود دارند که می توانید آنها را بخرید.» نرخ سفارش هایی که بدون ایراد به دست مشتری می رسید، یعنی بدون آسیب و بدون مفقودی، ۸۰ درصد بود. یعنی از هر پنج سفارش یک سفارش مشکل داشت. اقلامی که به مشتری تحویل داده می شدند، شکسته و آسیب دیده و کپک زده بودند. به همین دلیل این شرکت نتوانست تجربه ای واقعی در بازار انبوه داشته باشد. با وجود این ایمپرفکت دامنه محصولاتش را گسترش داد. کارمندان پیشین شرکت گفته اند که در واقعیت از اینکه این محصولات به ضایعات تبدیل نشوند، جلوگیری نشد. کارمند سابق شرکت گفت: «بهن و تیمش در تلاش بودند مشکلات مربوط به افزایش مقیاس را که به دلیل پاندمی به وجود آمده بود، حل و فصل کنند، اما این شرکت برای زمانی که پاندمی به پایان می رسد، راهبردی در نظر نداشت و سرانجام مردم دوباره به خرید حضوری در فروشگاه روی آوردند.»

## جاه طلبی برای بازار انبوه، سرمایه گذاران را جذب می کند

یافته های اینسایدر نشان می دهد که تا پایان سال ۲۰۲۰، میزان فروش شرکت به بیش از ۴۰۰ میلیون دلار رسیده بود، اما حجم فروش و سفارش در سه ماهه سوم آن سال سیری نزولی یافت. در اکتبر ۲۰۲۰، مدیران خبر از برنامه خود برای افزودن الکل، غذاهای منجمد و غذاهای آماده دادند. نوع مشتریانی نیز که این شرکت قصد جذب شان را داشت، تغییر کرد و هدفش تبدیل شدن به یک بازار انبوه تر بود. جاه طلبی های ایمپرفکت درباره بازار انبوه، سرمایه گذاران بزرگی را جذب می کرد. در می ۲۰۲۰، ایمپرفکت سرمایه ای ۷۲ میلیارد دلاری جذب کرد. این جذب سرمایه در یک دور سرمایه گذاری سری C، تحت هدایت شرکت اینسایت پارتنرز اتفاق افتاد (سرمایه گذاری سری C مربوط به استارت آپ هایی است که موفقیت و ثبات خود را نشان داده باشند). در ماه فوریه امسال، ایمپرفکت دور دیگری از جذب سرمایه را آغاز کرد که باز هم تحت نظارت شرکت اینسایت بود؛ سرمایه گذاری سری D به ارزش ۱۱۰ میلیون دلار که ارزش شرکت را به ۷۰۰ میلیون دلار می رساند. شرکت ایمپرفکت گفته که از بودجه جدید برای سرعت بخشیدن به رشد خود استفاده می کند.



# مرگ تدریجی یک روایا

ایمپرفکت فودز زیرمجموعه بازار میسفیتز خواهد شد

و گفتند که این شرکت شش سال پس از راه اندازی و با در اختیار داشتن بودجه ۲۳۹ میلیون دلاری، راه خود را گم کرده است. ایمپرفکت دو مدیرعامل و نیمی از تیم مدیران ارشد خود را از دست داده و فروش آن در دوره همه گیری با کاهش مواجه شده است. بنیان گذاران ایمپرفکت فودز کار خود را با فروش میوه ها و سبزیجاتی آغاز کردند که با استاندارد سوپرمارکت ها مطابقت نداشت؛ برای مثال میوه هایی که کوچک بودند یا رنگ شان تغییر کرده بود. عرضه محصولات در ایمپرفکت بسته به موجودی تأمین کنندگان شان متفاوت بود. یکی از کارمندان که زیر نظر سایمون به عضویت درآمد و اخیراً شرکت را ترک کرد، گفت: «افرادی جذب ایمپرفکت شدند که به چیزهای پایدار علاقه مند بودند.» مشتریان و کارمندان احساس خوبی داشتند که این میزان از مواد غذایی را از تبدیل شدن به زباله نجات دهند.

ایمپرفکت فودز (Imperfect foods) یا شرکت غذاها ناقص، زیرمجموعه بازار میسفیتز (Misfits Market) قرار خواهد گرفت. به گزارش اینسایدر این شرکت تلاش می کند مأموریت زیست محیطی خود را همچنان حفظ کرده و به ترکیب مدیران ارشد خود دست نزنند. بازار میسفیتز اعلام کرد که شرکت ایمپرفکت فودز را به مبلغی که هنوز تعیین نشده، خریداری خواهد کرد. ابھی رامش (Abhi Ramesh)، رهبری این شرکت را بر عهده خواهد داشت. او انتظار دارد که ایمپرفکت فودز تا سال ۲۰۲۴ به فروش یک میلیارد دلاری برسد و سوددهی قابل توجهی داشته باشد. بعضی از مدیران ایمپرفکت فودز به تیم راهبری میسفیتز خواهند پیوست.

## راهی که گم شد

ایمپرفکت مانند بسیاری دیگر از استارت آپ هایی که در زمینه تحویل مواد غذایی فعالیت می کنند، در ابتدای پاندمی فروش خوبی داشت. چون خریداران به دنبال راهی برای خرید غذا از خانه بودند. شرکت ایمپرفکت در سال ۲۰۱۵ به عنوان یک استارت آپ راه اندازی شد و مأموریتش کاهش ضایعات مواد غذایی بود، اما پس از اینکه این شرکت با موفقیت اولیه ای رویه رو شد، از این هدف اصلی دور افتاد. طی یک سال گذشته، هفت کارمند این شرکت را ترک کردند

## ایمپرفکت اولویت مشتریان شد؟

در سال ۲۰۱۹ که سایمون به دلایل سلامتی از سمت خود کناره گیری کرد، «فیلیپ بهن» (Philip Behn) که قبلاً در والمارت و مک کنزی کار می کرد، جایگزین سایمون به عنوان مدیرعامل شد. «چسلسر» (Chesler) نیز تا سال ۲۰۲۰ به عنوان مدیر ارشد نوآوری خدمت کرد و در هیئت مدیره شرکت باقی ماند. بهن در مقایسه با



شماره ۶۷  
۱۰ مهر ۱۴۰۱  
سال دوم



## کارمندان قدیمی آمازون از صرفه جویی های بزوس گفته اند

### خساست و حماقت

در ایمیلی که به یوجین کیم از اینساید با موضوع «کار در آمازون» ارسال شد، بیش از دوجین کارمند سابق آمازون که اکنون در گوگل کار می کنند، از اینکه کارفرمای سابق شان چقدر مقصد بوده است، شکایت کرده اند.

در یکی از این ایمیل ها، یکی از کارمندان سابق آمازون که در سال ۲۰۲۰ شرکت را ترک کرد، گفت که مدیران پروژه «لپ تاپ های تحت ویندوز» دریافت کرده بودند و می بایست ثابت می کردند برای کار به مک بوک های اپل نیاز دارند تا دستگاه ها را دریافت کنند.

اجبار کارمندان آمازون به درخواست دستگاه های کاری با کیفیت بالاتر، مثالی برای ساختن اصطلاح «فروپیدی» شد که در سراسر دفاتر آمازون گسترش یافته است. اتان ایوانز، مدیر سابق آمازون در یک پست وبلاگ توضیح داد که این اصطلاح ترکیبی از کلمات «خساست» و «حماقت» است. صرفه جویی در فرهنگ آمازون یکی از ۱۶ اصل رهبری این شرکت برای تصمیم گیری های تجاری است.

یکی دیگر از کارمندان سابق که در سال ۲۰۲۰ آنجا را ترک کرد، در ایمیلی گفت که تیم او فقط یک مانیتور کامپیوتر داشت. برای داشتن مانیتور دوم، کارمندان آمازون کارآموزانی برای تابستان استخدام می کردند تا او یک مانیتور دریافت کند. بعد از رفتن کارآموز، کارکنان از آن مانیتور استفاده می کردند. او گفت قرار بود مانیتورهای کارآموز تابستانی بازگردانده شوند، اما این کار را نمی کردیم. برخی از کارمندان گفته اند که با سایر کارمندانی که مسئولیت لوازم اداری را بر عهده دارند، دوست می شدند تا بتوانند یک شارژر لپ تاپ اضافی قرض کنند و تا زمان ترک شرکت آنها را نگه دارند. شدت صرفه جویی فراتر از دستگاه های کار بود. غلات صبحانه از آشپزخانه دفتر دو کارمند سابق حذف و به آنها گفته شد غلات صبحانه مطابق با طرز تفکر مقتصدانه نیست. طبق یک ایمیل، آمازون حتی نودل های فوری را با قیمتی بالاتر از یک فروشگاه نزدیک به دفتر می فروخت. همچنین گفته شده دو کارمند در جلسه ای مجبور شدند یک شیرینی را تقسیم کنند، زیرا بودجه برای سفارش بیشتر کافی نبود.



شماره ۶۷  
۱۰ مهر ۱۴۰۱  
سال دوم



# بر سر دوراهی استخدام و اخراج

تمام موقعیت های شغلی که از متقاضیان دعوت به ارسال رزومه می کنند واقعی نیستند؛ چرا چنین اتفاقی در حال وقوع است؟

طرح جدید متا  
برای کاهش هزینه ها  
**این یک تجربه  
جدید نیست**

اداری و هزینه ها از طرح میز داغ استفاده می کنند، اما اجرای این طرح به معنی نبود ایستگاه کاری دائمی برای اکثر کارکنان است. به گزارش ایندیپندنت، یکی از کارمندان متا نوشت: «آیا می توانیم اعضای بدن خود را قطع کنیم و آن را کاهش هزینه بنامیم؟» «هیچ کس این طرح را یک تجربه جدید نمی داند.» برخی دیگر گفته اند آنها با نوع بیان تصمیم خود مانند کودکان با ما (کارکنان) رفتار کرده اند. برخی از کارکنان اظهار کرده اند که کمتر به دفتر می آیند، زیرا باید یک میز رزرو کرده و آن را تنظیم کنند. یکی از کارکنان گفت برنامه ریزی برای این حرکت نشان می دهد که مدیریت رابطه اش را با واقعیت به صورت کامل و مطلق قطع کرده است.

به گزارش ایندیپندنت، کارمندان متا از برنامه های این شرکت برای معرفی میزهای داغ در دفاتر خود انتقاد کرده اند. بر اساس این گزارش، مالک فیس بوک و اینستاگرام گفت تجربه جدیدی را در محل کار آزمایش خواهند کرد. بر این اساس کارمندان باید قبل از رسیدن به دفتر، میزهای خود را رزرو کنند. کارمندان متا به طرح میز کار داغ در شبکه اجتماعی داخلی خود اعتراض کرده و فردی آن را «مضحک» خوانده است. سایر کارکنان گفته اند اجرا کردن این ایده به عنوان یک تجربه جدید متقلبانه است. بسیاری از شرکت های بزرگ برای صرفه جویی در فضای